

نقش توان مندی مدیران در کشف کلاهبرداری گزارشگری مالی با در نظر گرفتن حضور و نفوذ صاحب منصبان دولتی در ارکان اداره شرکتها با تعیین درجه سیاست دولتی بر اساس شاخص SA

دکتر وحید بخردی نسب

دکتری حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجفآباد، نجفآباد، ایران.
Vahid.BekhradiNasab@gmail.Com

سعید قاسمی

کارشناسی ارشد حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد طبس، خراسان جنوبی، ایران. (نویسنده مسئول).
saeedghasemi2996@gmail.com

چکیده

نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاههای اقتصادی تاثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با گزارشگری مالی و تهیه صورت‌های مالی تحت تاثیر قرار می‌دهد و در نهایت باعث ایجاد تفاوت‌های چشم‌گیر در کیفیت صورت‌های مالی شرکت‌های دارای روابط سیاسی در مقایسه با شرکت‌های بدون روابط سیاسی گردد. از این رو هدف از مطالعه حاضر بررسی تاثیر توانایی مدیریتی در احتمال کشف تقلب در بین شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق تهران طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۷ می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از روش حذف نظام‌مند بالغ بر ۷۰ شرکت می‌باشد. روش پژوهش بر اساس رگرسیون چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی با استفاده از روش حداقل مربعات و تحلیل پوششی داده‌ها می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مدیران توانمند قدرت کاهش تقلب در گزارشگری مالی را دارند. همچنین وجود ارتباطات سیاسی منجر به گزارشگری مالی متقلبانه می‌شود. دیگر نتایج نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی تاثیر توانایی مدیریتی در احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را تضعیف می‌نماید.
واژه‌های کلیدی: توان مندی مدیران، کلاهبرداری مالی، صاحب منصبان دولتی.

مقدمه

اعتماد به صحت اطلاعات، سنگ بنای بازارهای سرمایه است و گزارشگری مالی متقلبانه این اعتماد را خدشه‌دار می‌کند (رضایی و رایلی^۱، ۲۰۱۰). بازار سرمایه به‌عنوان موتور محرکه اقتصاد بر محور اطلاعات قرار دارد. جریان درست اطلاعات در این بازار به اتخاذ تصمیم‌های درست و منطقی از سوی مشارکت‌کنندگان منجر می‌شود و سرانجام توسعه اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی را به ارمغان می‌آورد. گزارش‌های مالی از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی است که هدف آن، فراهم کردن اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است و بخش اعظمی از نیاز اطلاعاتی بازار سرمایه را فراهم می‌کند (اسکات^۲، ۲۰۱۲).

¹ Rezaee and Riley

² Scott

رسوایی‌های مالی متعدد در شرکت‌هایی همچون انرون و ورلدکام و... همراه با مسئله تقلب در گزارشگری مالی، موجب بروز عدم اعتماد به جامعه حسابداری و حسابرسی شده است. این موضوع، مجامع حرفه ای حسابداری را ناچار کرده است علل ایجاد تقلب و راه‌های موجود برای جلوگیری از وقوع رفتار متقلبانه در گزارشگری مالی را بررسی کنند. مدیران هنگام مواجهه با نوسان‌ها و فشارهای اقتصادی، برای سامان بخشیدن به اوضاع شرکت تلاش می‌کنند رقم سود منعکس شده در صورت‌های مالی را تحت تأثیر قرار داده و موجب مثبت شدن نگاه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی می‌شود. مجموعه این اقدامات جنبه‌های منفی و مثبتی دارد. جنبه مثبت شامل مجموعه فعالیت‌هایی است که در چارچوب قوانین و اخلاق حرفه ای اجرا می‌شود؛ درحالی که جنبه منفی این اقدامات می‌تواند به فریب و تقلب در گزارشگری مالی بیانجامد (شمسایی، ۱۳۹۲).

مطالعات زیادی نشان می‌دهد که پیروی از استانداردهای حسابداری به تنهایی نمی‌تواند کیفیت صورت‌های مالی و اقلام مندرج در آن را تضمین کند. زیرا عوامل دیگری نیز بر روی کیفیت صورت‌های مالی و گزارشگری مالی تأثیر دارند. یکی از عوامل با اهمیت و قابل توجه، نفوذ سیاسی مدیران و مالکان بنگاه‌های اقتصادی در محافل سیاسی و روابط آن‌ها با کانون‌های قدرت سیاسی است (چنی و همکاران^۳، ۲۰۱۲). روابط و نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با گزارشگری مالی و تهیه صورت‌های مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد و انتظار می‌رود این امر در نهایت باعث ایجاد تفاوت‌های چشم‌گیر در کیفیت صورت‌های مالی شرکت‌های دارای روابط سیاسی در مقایسه با شرکت‌های بدون روابط سیاسی گردد (نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۲).

برخورداری از روابط سیاسی می‌تواند رفتار شرکت‌ها را از نظر عملیاتی و گزارشگری مالی تحت تأثیر قرار دهد. در یک اقتصاد مبتنی بر رابطه، اگر یک مدیر توانمند احتمال اینکه گزارش‌های مالی متقلبانه را کاهش دهد، به طور طبیعی ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا تأثیر توانایی مدیریتی در احتمال تقلب در بین شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی و غیرسیاسی متفاوت است یا خیر. با توجه به تقاضای مختلف بازار، به دلیل وجود بازارهای مالی مختلف، کیفیت گزارشگری مالی بسیار متفاوت است. مطالعات داخلی مبنی بر بررسی ارتباط توانایی مدیریت و ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبانه و همچنین اثر تعدیل‌گر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه صورت نگرفته است و نیاز به بررسی ارتباط این عوامل روی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، احساس می‌شود. با توجه به مطالب یادشده، هدف این پژوهش بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی و توانایی مدیریتی بر گزارشگری مالی متقلبانه است.

در باب اهمیت و ضرورت انجام پژوهش می‌توان گفت که بروز رسوایی مالی و حسابداری در طول دو دهه گذشته به طور چشم‌گیری افزایش یافته است. کاهش چشم‌گیر اعتماد سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه و گزارشگری مالی شرکت توجه بیشتر کارشناسان را به خود جلب کرده است. از آنجایی که مدیران توانا بیشتر در مورد کسب و کار خود آگاه هستند، بنابراین می‌توانند قضاوت‌ها و برآوردها را موثر انجام دهند، می‌توانند بهتر از منابع سازمانی استفاده نمایند و در نتیجه عملکرد بهتر کسب و کار را به دست بیاورند. علاوه بر این، کاهش ریسک شکست کسب و کار به علت توانایی بهتر مدیریت باعث کاهش خطر نگرانی و ریسک حسابرسی می‌شود (کریشنان و وانگ^۴، ۲۰۱۵). بر اساس مثلث تقلب، انگیزه برای شرکت‌ها یا مدیران برای انجام تقلب، زمانی که شرکت‌ها با فشار و نیازهای مالی بیشتری روبرو هستند، قوی‌تر است. پیش‌بینی می‌شود که توانایی مدیریتی در نتیجه فشار مالی شرکت‌ها کاهش یابد و احتمال وقوع تقلب در کل و تقلب گزارشگری مالی به طور خاص را کاهش دهد. در این پژوهش، دو عامل تعیین کننده بالقوه‌ی کلیدی تقلب مالی نظیر توانایی‌های مدیریتی و ارتباطات سیاسی،

³ Chaney et al

⁴ Krishnan and Wang

بررسی شده است. به طور خاص، ابتدا رابطه بین توانایی مدیریتی و احتمال گزارش مالی متقلبانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس، به این دلیل که ارتباطات سیاسی نقش مهمی در فعالیت‌های تجاری ایفا می‌کنند، بررسی می‌شود که آیا ارتباط بین توانایی مدیریتی و احتمال تقلب در نظام‌های مختلف از نظر روابط سیاسی مدیریتی متفاوت است یا خیر؟

مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش تقلب در گزارشگری مالی

طبق بند ۴ استاندارد حسابرسی شماره ۴۵۰ ایران، تحریف شامل هرگونه مغایرت بین مبلغ، نحوه طبقه بندی، ارائه یا افشای یک قلم گزارش شده در صورت های مالی و مبلغ، نحوه طبقه بندی، ارائه یا افشای آن قلم طبق الزامات افشاء استانداردهای حسابداری است. تحریف ها ممکن است ناشی از اشتباه یا تقلب باشد. طبق بند ۳ و ۴ این استاندارد، اشتباه عبارت است از هرگونه تحریف سهوی در صورت‌های مالی (شامل حذف یک مبلغ یا یک مورد افشاء) و تقلب عبارت است از هرگونه اقدام عمدی یا فریب کارانه یک یا چند نفر از مدیران یا اشخاص ثالث برای برخورداری از یک مزیتی ناروا یا غیرقانونی (کمیتته تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۸۸) و در تعریفی دیگر رضایی^۵ (۲۰۰۲) تقلب را ناشی از اقدامات عمدی یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث اطلاق می‌کند که به ارائه نادرست صورت های مالی منجر می‌شوند. رضایی (۲۰۰۲) تقلب را در برگیرنده دستکاری، جعل یا تغییر اسناد و مدارک حسابداری یا سایر مدارک به منظور به دست آوردن مزایای مالی غیرحق و غیرقانونی، سوء استفاده از دارایی‌ها یا سرقت آن‌ها، ارائه نادرست آثار مالی معاملات یا حذف آن‌ها از اسناد و مدارک، ثبت معاملات بدون مدارک مثبت (معاملات صوری) و بکارگیری نادرست رویه‌های حسابداری می‌داند. اعتمادی و زلّی (۱۳۹۲) تقلب در صورت‌های مالی را مشتمل بر دستکاری اقلام از طریق نشان دادن بیش از حد دارایی‌ها و فروش و سود و یا کمتر از حد نشان دادن بدهی‌ها و هزینه‌ها و یا زیان‌ها می‌دانند. هنگامی که یکی از صورت مالی شامل نشانه‌هایی از تقلب است که عناصر این صورت مالی، تصویر درستی از واقعیت را نشان نمی‌دهند، آن را به عنوان تقلب تلقی می‌نمایند.

مدیران توان مند

در ادبیات حسابداری، توانایی مدیریت یکی از ابعاد سرمایه انسانی شرکت‌ها است که به عنوان دارایی نامشهود طبقه بندی می‌شود. دیمرجان و همکاران^۶ (۲۰۱۳، ۲۰۱۲) توانایی مدیریت را به عنوان کارایی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف می‌کنند. این منابع تولید درآمد در شرکت‌ها شامل بهای موجودی‌ها، هزینه‌های اداری و توزیع و فروش، دارایی‌های ثابت، اجاره‌های عملیاتی، هزینه‌های تحقیق و توسعه و دارایی‌های نامشهود شرکت می‌شود (دیمرجان و همکاران، ۲۰۱۲). توانایی مدیریتی بالاتر می‌تواند منجر به مدیریت کاراتر عملیات روزانه شرکت شود، خصوصاً در دوره‌های بحرانی عملیات، که تصمیم‌گیری‌های مدیریتی می‌تواند تأثیر بسزایی بر عملکرد شهرت داشته باشد. افزون بر آن، در دوره‌هایی که شرکت با بحران روبه رو است، مدیران تواناتر تصمیم‌گیری مناسب‌تری در ارتباط با تامین منابع مورد نیاز خواهند داشت (آندرو و همکاران^۷، ۲۰۱۳). سرمایه‌گذاری مناسب‌تر در پروژه‌های با ارزش‌تر و مدیریت کارای کارکنان نیز از ویژگی‌های مدیران توانمند است. در نتیجه در کوتاه‌مدت انتظار می‌رود، مدیران تواناتر بتوانند درآمد بیشتری با استفاده از سطح معینی

⁵ Rezaee

⁶ Demerjian et al.

⁷ Andreou et al.

از منابع کسب کنند، یا با استفاده از منابع کمتر، به سطح معینی از درآمد دست یابند (دیمرجان و همکاران، ۲۰۱۲) و بالعکس، تصمیم‌های ضعیف و مهارت پایین مدیریت در رهبری می‌تواند شرکت را به سمت ورشکستگی سوق دهد.

ارتباطات سیاسی

واحد‌های تجاری تمایل زیادی به برقراری ارتباط نزدیک با دولت دارند، زیرا از این طریق تحت حمایت‌های دولت واقع می‌شوند. این روابط منافع زیادی نظیر تخفیف‌های مالیاتی و دسترسی آسان‌تر به اعتبارات را در پی خواهد داشت. لذا می‌توان بیان کرد، در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر روابط، ارتباطات سیاسی یک منبع مهم ارزش برای شرکت‌های دارای روابط محسوب می‌شود. شرکت‌های دارای روابط سیاسی، راحت‌تر به منابع سرمایه و مزایای دیگر از طریق ارتباطات خود دست می‌یابند. در این راستا برخی مدیران شرکت‌ها درصدد برقراری و حفظ ارتباط بین شرکت و دولت با هدف رفع محدودیت‌های مالی با کمترین هزینه هستند (بوباگری و همکاران^۸، ۲۰۱۲).

یکی از راه‌کارهای پیش‌روی دولت، جهت کنترل اقتصاد کشور، نفوذ در واحد‌های اقتصادی است. نفوذ دولت در واحد‌های اقتصادی، از طریق روابط سیاست‌مداران و یا مالکیت دولتی ایجاد می‌شود (نلی‌ساری و آنوگراه^۹، ۲۰۱۱). نفوذ و حمایت سیاسی دولت را می‌توان از دو جنبه مزایا و معایب، مورد بررسی قرار داد. حمایت سیاسی دولت، ممکن است منجر به ایجاد ارزش برای شرکت شود. برای مثال، شرکت‌هایی که از ارتباط خوبی با دولت برخوردارند، مالیات کمتری می‌پردازند، سهم بازار بیشتری دارند، وام‌های بانکی با سهولت بیشتری برای آنان فراهم می‌شود، دولت در عرضه عمومی سهام، به آن‌ها کمک می‌کند و نسبت به سایر شرکت‌ها، آسان‌تر و با پرداخت هزینه کمتری از امتیازهای مهم بهره‌مند می‌شوند (لئوز و ابرهالزرگی^{۱۰}، ۲۰۰۶). اگرچه حمایت دولت، مزیت‌هایی مثل هزینه کمتر تأمین مالی را برای یک شرکت خاص به ارمغان می‌آورد، اما از طرف دیگر ممکن است منجر به ناکارایی عملکرد شرکت گردد (نلی‌ساری و آنوگراه، ۲۰۱۱).

شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی از منافع بودجه نرم بهره‌مند می‌گردند. بودجه نرم اشاره به جلب حمایت سیاسی و بهره‌مندی از مزایای این حمایت‌ها دارد. به نظر می‌رسد شرکت‌هایی که موفق می‌شوند حمایت‌های سیاسی را جلب نمایند، وجوه نقد کمتری نگهداری می‌کنند. زیرا مدیران این‌گونه شرکت‌ها یا می‌توانند نیازهای خود را با سطح اعتباری بالاتری که نیاز به پرداخت سریع وجه نقد ندارد، تهیه نمایند و یا در صورت نیاز به منابع مالی، در زمان کوتاه‌تری به این منابع دسترسی خواهند داشت. از این رو، جلب حمایت سیاسی مانع نگهداشت وجه نقد زیاد در شرکت می‌شود (بوباگری و همکاران، ۲۰۱۲).

توانایی مدیریت و احتمال کشف گزارشگری مالی متقلبانه

دیدگاه نئوکلاسیک شرکت‌ها فرض می‌کند که مدیران برتر همگن هستند. بنابراین مدیران مختلف به عنوان جایگزین‌های مناسب برای یکدیگر در نظر گرفته می‌شوند (برترین و شوار، ۲۰۰۳). به طور خاص، مطالعات متعدد در ادبیات حسابداری نشان می‌دهد که تصمیم‌های مدیران بر افشای داوطلبانه شرکت‌ها و نتایج گزارشگری مالی تاثیر می‌گذارد (بامبر و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۰؛ دی جونگ و لینگ^{۱۲}، ۲۰۱۳؛ دیرنگ و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۰، جی و همکاران^{۱۴}، ۲۰۱۰). توانایی مدیران برای ارتقای

⁸ Boubakri et al.

⁹ Nelly Sari and Anugerah

¹⁰ Leuz and Oberholzer-Gee

¹¹ Bamber et al

¹² DeJong and Ling

عملکرد اقتصادی منابع کلی شرکت بر انعطاف پذیری مهارت‌های مختلف مانند مهارت فنی، مهارت‌های انسانی و مهارت‌های مفهومی بستگی دارد (کاتز^{۱۵}، ۱۹۹۱؛ بارنی^{۱۶}، ۱۹۹۵). این قابلیت مدیریتی نه تنها بر عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد، بلکه بر احتمال اجرای اقدامات گزارشگری مالی متقلبانه تأثیر می‌گذارد. اول، مدیران با توانایی بیشتر در مورد چشم انداز شرکت، روند صنعت و شرایط اقتصاد کلان آگاهی بیشتری دارند؛ بدین ترتیب، آن‌ها می‌توانند پروژه‌های بهتر را انتخاب کرده و با احتیاط اجرا کنند. بنابراین، بنگاه‌هایی که مدیران توانا را استخدام می‌کنند، بهتر از بنگاه‌هایی هستند که مدیران توانا ندارند (پنروس^{۱۷}، ۱۹۵۹؛ کاتز، ۱۹۵۵؛ بارنی، ۱۹۹۱؛ کاستانیاس و هافات^{۱۸}، ۱۹۹۱؛ کارملی و تیشلر^{۱۹}، ۲۰۰۴؛ چمنور و پاگلیس^{۲۰}، ۲۰۰۵). با توجه به "مثلث تقلب" (کریسی^{۲۱}، ۱۹۵۰)، فشار و نیازهای مالی می‌تواند فعالیت‌های جعلی مدیریتی را تحریک کند. این به-ویژه در اقتصادهای در حال گذار مانند چین چیره می‌شود، زیرا یک محیط ضعیف قانونی باعث می‌شود که شرکت‌ها بتوانند رفتار متقلبانه از خود نشان دهند. دوم، توانایی مدیریتی در سطح بالا نیز می‌تواند خطر ابتلا به نارسایی‌های شرکت را کاهش دهد و به نوبه خود، ریسک حسابرسی را کاهش می‌دهد. از آنجایی که توانایی مدیریت بالاتر به عملکرد بهتر فعلی و آینده مرتبط است، می‌تواند ریسک‌های عملکرد ضعیف و شکست‌های شرکت را کاهش دهد. علاوه بر این، یک مدیر توانمند با کیفیت بالاتر درآمد بالاتر کسب می‌نماید. سوم، مطالعات پیشین نشان می‌دهند که کیفیت مدیریت یک شرکت می‌تواند یک اثر تأیید کننده بر ارزش شرکت داشته باشد. از این رو انتظار می‌رود که مدیران توانمند قدرت کاهش تقلب در گزارشگری مالی را داشته باشند و توانایی مدیریت تأثیر منفی بر گزارشگری مالی متقلبانه داشته باشد. بر این اساس فرضیه اول پژوهش به شرح زیر می‌باشد.

فرضیه اول: مدیران توانمند قدرت کاهش تقلب در گزارشگری مالی را دارند.

ارتباطات سیاسی و احتمال کشف گزارشگری مالی متقلبانه

رابطه مثبتی بین ارتباطات سیاسی، رانت‌های اقتصادی و ارزش شرکت‌ها در سطح جهان قابل مشاهده است. چنین مواردی باعث می‌شود این استدلال تقویت شود که اگر ارتباطات سیاسی در تعیین ارزش شرکت‌ها، بقاء شرکت‌ها، قدرت آن‌ها و دیگر ویژگی‌های شرکت‌ها، دارای اهمیت است، در این صورت بایستی به صورت نظام‌مندی در بازار سهام، منعکس شود (سیوبالیز و همکاران^{۲۲}، ۲۰۱۵). فاسیو^{۲۳} (۲۰۱۰) نشان داد شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی با اعضای پارلمان، نسبت به سایر شرکت‌هایی که از این ارتباط برخوردار نیستند، دارای قدرت بازار بیشتری هستند. موضوع دیگری که می‌تواند در تقویت تأثیر ارتباطات سیاسی و پیامدهای آن مورد توجه قرار گیرد، پایین‌تر بودن ریسک شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی است. شرکت‌های دارای حمایت‌های سیاسی نسبت به فشارهای بازار و رقابت‌های معمول حساس نیستند. این شرکت‌ها از ریسک کمتری نسبت به

¹³ Dyreng et al

¹⁴ Ge et al

¹⁵ Katz

¹⁶ Barney

¹⁷ Penrose

¹⁸ Castanias and Helfat

¹⁹ Carmeli and Tishler

²⁰ Chemmanur and Paeglis

²¹ Cressey

²² Civilize et al.

²³ Faccio

سایر شرکت‌ها برخوردار بوده و انتظارات سرمایه‌گذاران نسبت به نرخ بازده سرمایه‌گذاری نیز کمتر است. مسلماً این شرکت‌ها هنگام مواجهه با بحران‌های مالی از حمایت‌های مالی دولت برخوردار می‌شوند، از این رو احتمال ورشکستگی آن‌ها کمتر است (بوباگری و همکاران، ۲۰۱۰). کیفیت گزارشگری به علت تقاضای بازار به طور قابل توجهی متفاوت است، زیرا گزارش‌های مالی کشورهای مختلف، نقش‌های اقتصادی مختلفی ایفا می‌کنند. در یک محیط رقابتی شرکت‌ها ترجیح می‌دهند تا مشکلات خود را با ارتباطات سیاسی حل نمایند. این موضوع نشان می‌دهد که انگیزه شرکت‌ها برای ارائه با کیفیت بالای گزارش مالی با میزان ارتباطات سیاسی کاهش می‌یابد و به نوبه خود احتمال وقوع تقلب در گزارش مالی با افزایش ارتباطات سیاسی افزایش می‌یابد (کیان و همکاران^{۲۴}، ۲۰۱۱). از این رو انتظار می‌رود که وجود ارتباطات سیاسی منجر به گزارشگری مالی متقلبانانه شود و نفوذ صاحب منصبان دولتی در ارکان اداره شرکت‌ها، مدیران شرکت‌ها را تحریک به گزارشگری مالی متقلبانانه و انجام تقلب نمایند. بر این اساس فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر می‌باشد.

فرضیه دوم: وجود ارتباطات سیاسی منجر به گزارشگری مالی متقلبانانه می‌شود.

نقش ارتباطات سیاسی بر ارتباط بین توانایی مدیریتی و احتمال کشف گزارشگری مالی متقلبانانه

از منظر سرمایه‌گذاران شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، شرکت‌هایی هستند که گزینه‌های مطمئن‌تری برای سرمایه‌گذاری محسوب می‌شوند. زیرا ریسک شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی نسبت به سایر شرکت‌ها پایین‌تر است. در مجموع ارتباطات سیاسی، چه به واسطه حضور افراد سیاسی در بدنه شرکت‌ها و یا از طریق مالکیت دولت و نهادهای دولتی به عنوان سهامدار در این شرکت‌ها، می‌تواند شرایط را برای افزایش جذابیت‌های سرمایه‌گذاری فراهم نماید.

حضور و نفوذ صاحب منصبان دولتی در ارکان اداره شرکت‌ها، موضوعی است که می‌تواند با توجه به وجود شواهد تجربی به عنوان امری بدیهی قلمداد شود. با این حال، ارتباطات سیاسی می‌تواند از طرق مختلف بین شرکت‌ها و دولت ایجاد شود، از جمله از طریق ساختار مالکیت، حضور در ترکیب هیات مدیره، تولید محصولات خاص و ارتباطات شبکه‌ای (رضایی و سعادت، ۱۳۹۳). صرف نظر از روش برقراری ارتباط میان شرکت‌ها و دولت، آنچه اهمیت بیشتری دارد، پیامدهای این نوع از ارتباطات برای شرکت‌ها است.

اخیراً در مورد ارتباط بین سیاست و کسب و کار، و همچنین برجسته شدن میزان ارتباطات سیاسی در سراسر جهان بحث‌هایی مطرح شده است. به دلیل وجود شواهد بین‌المللی در زمینه وجود روابط بین سیاست‌مداران و شرکت‌ها، تعداد زیادی از مطالعات به بررسی پدیده ارتباطات سیاسی شرکت‌ها پرداخته‌اند. این مطالعات نشان می‌دهند که ارتباطات سیاسی در سراسر جهان، به‌ویژه در کشورهای با نظام‌های حقوقی ضعیف، شایع است. البته مطالعات اخیر نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی تنها منحصر به چنین محیط‌هایی نیست، به عنوان مثال، گلدمن و همکاران^{۲۵} (۲۰۰۹) و کوپر و همکاران^{۲۶} (۲۰۱۰) نشان دادند که ارتباطات سیاسی در ایالات متحده نیز فراگیر است. مطالعات انجام شده در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی می‌تواند از دو جهت مثبت و منفی شرکت را تحت تاثیر قرار دهد. از یک طرف، برخی از مطالعات به منافع زیاد ارتباطات سیاسی اشاره کرده‌اند از جمله دسترسی آسان‌تر به منابع مالی، مثل وام‌های بانکی و بودجه‌هایی با شرایط مناسب، افزایش اعتماد به نفس در نظام حقوقی، بهبود عملکرد، احتمال بالای نجات از توقیف، افزایش ارزش شرکت به عنوان

²⁴ Qian et al

²⁵ Goldman et al.

²⁶ Cooper et al.

مثال از طریق افزایش ارزش سهام، هزینه سرمایه کمتر و امتیازهای معامله از قبیل اولویت در قراردادهای دولتی. از سوی دیگر، برخی از مطالعات نشان داده‌اند که ارتباطات سیاسی می‌تواند تاثیر منفی بر شرکت داشته باشد از جمله اطلاعات حسابداری با کیفیت پایین‌تر، انتخاب مدیران و اعضای هیات مدیره با صلاحیت‌های پایین، کاهش عملکرد بلندمدت شرکت به دلیل کاهش انگیزه‌های مدیریتی یا ناکارآمدی و هزینه بدهی بالاتر (شالیفر و ویشنی^{۲۷}، ۱۹۹۴). یکی از پیامدهای منفی ارتباطات سیاسی، احتمال وجود تقلب است. وجود ارتباطات سیاسی بواسطه کاهش میزان سود به دلیل عدم پرداخت هزینه‌های سیاسی، منجر به وقوع تقلب شده و جالب‌تر آن است که حضور و نفوذ صاحب منصبان دولتی در ارکان اداره شرکت‌ها، تأثیر توانایی مدیریتی در احتمال کشف گزارشگری مالی متقلبانه را تضعیف می‌نماید. بر این اساس می‌توان متصور شد که با وجود صاحبان مناصب دولتی، قدرت مدیریت و توانایی مدیریت در کشف تقلب کاهش می‌باشد. بر این اساس فرضیه سوم پژوهش به شرح زیر می‌باشد.

فرضیه سوم: ارتباطات سیاسی تأثیر توانایی مدیریتی در احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را تضعیف می‌نماید.

پیشینه پژوهش

وانگ و همکاران^{۲۸} (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان توانایی مدیریت، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبانه در چین به بررسی ارتباط بین توانایی‌های مدیریتی، ارتباطات سیاسی و اقدامات اجرایی برای گزارشگری مالی متقلبانه (کلاهبرداری گزارش مالی) در چین پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که افزایش توانایی مدیران منجر به کاهش تقلب در گزارش مالی می‌شود. ارتباطات سیاسی شرکت‌ها می‌تواند تاثیر توانایی مدیران را در احتمال تقلب صورت‌های مالی ضعیف یا محدود کند. تجزیه و تحلیل‌های بیشتر نشان داد که نتایج عمدتاً توسط شرکت‌های غیر دولتی به جای شرکت‌های دولتی هدایت می‌شود. در نهایت، به این نتیجه رسیدند که بنگاه‌هایی با مدیران توانا نسبت به بنگاه‌هایی که مدیران توانا ندارند، مجازات‌های شدیدتری از سوی سازمان‌های نظارتی دارند.

کوستر و همکاران^{۲۹} (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش این پژوهش نشان داد که مدیران توانمند به دلیل درک بالایی که از محیط عملکردی شرکت‌ها دارند، می‌توانند تصمیم‌های تجاری را با استراتژی‌های مالیاتی همسو کرده و فرصت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی مؤثر را شناسایی کنند. آن‌ها به شواهد قابل اعتمادی مبنی بر مشارکت مدیران توانمند در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی (که پرداخت مالیات نقدی شرکت‌ها را کاهش می‌دهد) دست یافتند.

کسکی و هانلون^{۳۰} (۲۰۱۳) رابطه بین گزارشگری مالی متقلبانه و سیاست تقسیم سود شرکت‌ها را مطالعه کردند. نتایج این پژوهش نشان داد شرکت‌های متهم به تقلب، نسبت به شرکت‌های دیگر، سود کمتری پرداخت می‌کنند و سیاست تقسیم سود یکنواختی ندارند.

رآزالی و آرشد^{۳۱} (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی افشای ساختار نظام راهبری و احتمال گزارشگری متقلبانه پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد در شرکت‌های بزرگ که ساختار نظام راهبری بزرگتری دارند، احتمال گزارشگری مالی متقلبانه کاهش می‌یابد.

²⁷ Shleifer and Vishny

²⁸ Wang et al

²⁹ Koester et al

³⁰ Caskey and Hanlon

استتیس^{۳۲} (۲۰۰۷) با استفاده از نسبت‌های مالی به عنوان متغیرهای ورودی و با به‌کارگیری روش‌های داده‌کاوی، نحوه کشف تقلب صورت‌های مالی را بررسی، که مدل درخت تصمیم و شبکه عصبی و شبکه باور بیزین به ترتیب از نرخ صحت پیش بینی ۹۶ درصد و ۱۰۰ درصد و ۹۵ درصد حکایت دارند. این نتایج بیان‌گر توانایی کشف تقلب از طریق داده‌های صورت‌های مالی می‌باشد.

ابوت و همکاران^{۳۳} (۲۰۰۰) استقلال حسابداری و فعالیت در کاهش احتمال تقلب را بررسی و اندازه‌گیری نمودند. با استفاده از تحلیل رگرسیون نتایج نشان داد که شرکت‌های دارنده کمیته حسابداری که ترکیبی از هیئت مدیره غیرموظف هستند و دارای جلسه‌های حداقل دوبر در سال هستند، تمایل کمتری به تصمیم‌گزارشگری متقلبانه یا گمراه کننده دارند.

بخردی‌نسب و ژولانژاد (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی سیستم جامع کنترل داخلی و فلسفه خلیفه‌الله فی الارض برای تشخیص و جلوگیری از پدیده‌ی تقلب از طریق حسابداری قانونی با رویکرد مطالعات پدیدار شناختی پرداختند. هدف از پژوهش حاضر کشف علت عدم ارائه‌ی صحیح صورت‌های مالی، بررسی و تحلیل عملکرد واحد کنترل داخلی و نقش آن در رابطه با جلوگیری و شناسایی امر تقلب بود. در این پژوهش بدلیل اقرار شرکت‌ها از تقلب‌های مالی صورت گرفته طی سال‌های اخیر از افشای نام شرکت‌ها و منبع مصاحبه شونده خودداری بعمل آمده و بر این اساس رویکرد پدیدارشناختی همراه با الگوی تفسیری به کار رفته است. از این‌رو این پژوهش، پژوهشی کیفی می‌باشد. مطالعه صورت گرفته با استفاده از روش مصاحبه میدانی در سطح شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته است. این پژوهش در سال ۱۳۹۵ انجام شده و نتایج آن حاکی از آن است که با استناد به خلیفه‌الله فی الارض، کارها رنگ و بوی رحمانیت به خود می‌گیرد و نیز منجر به تقویت کنترل داخلی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌شود. با توجه به این مهم، ساختن و پایه‌ریزی فلسفه‌ی خلیفه‌الله فی الارض در جهت مبارزه با تقلب و از طریق حسابداری قانونی، مفهومی است که بر اساس قرآن، سیره‌ی انبیاء، اجماع، قیاس و عرف است.

حجازی و مختاری نژاد (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه به بررسی تعیین رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه پرداختند. احتمال گزارشگری مالی متقلبانه بر اساس مدل تعدیل شده آلتمن اندازه‌گیری شد. یافته‌های پژوهش نشان داد بین تخصص اعضای هیات مدیره، اثربخشی کمیته حسابداری و اثربخشی اعضای غیرموظف مستقل هیات مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوسی وجود دارد. یعنی ساختار حاکمیت شرکتی اثر بخش، احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را کاهش می‌دهد و اعتبار گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد. نتایج نشان داد بین اهرم مالی (نسبت بدهی) و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معنی داری وجود دارد. علاوه بر این اندازه هیات مدیره و اندازه شرکت بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه تاثیر معنی‌داری ندارد.

حسینی القار و مرفوع (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر سیاست تقسیم سود به بررسی سیاست تقسیم سود و عوامل تأثیرگذار بر آن پرداختند. هدف این پژوهش بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر سیاست تقسیم سود بود. سنجه توانایی مدیریت، بخشی از کارایی شرکت است که تحت تأثیر عوامل ذاتی شرکت قرار نمی‌گیرد. به منظور محاسبه و تحلیل اطلاعات توانایی مدیران از مدل ارائه شده توسط دیمرجان و همکاران (۲۰۱۲، ۲۰۱۳) استفاده شد. آزمون فرضیه پژوهش نیز با استفاده از روش‌های آماری رگرسیون خطی چند متغیره و الگوی تحلیل پوششی داده‌ها صورت گرفت. نتایج

³¹ Razali&i Arshad.

³² Stice.

³³ Abbot et al.

حاصل از آزمون فرضیه پژوهش نشان داد توانایی مدیریت تأثیر مثبت معناداری بر تقسیم سود شرکت دارد. به عبارت دیگر، مدیران توانا تر سود تقسیمی بیشتری را پرداخت می کنند. بر اساس بررسی های بیشتر میزان جریان های نقدی بر سطح تقسیم سود شرکت تأثیرگذار است. تأثیرگذاری جریان های نقدی بر سطح تقسیم سود بیانگر وجود حساسیت سود تقسیمی نسبت به جریان های نقدی است.

بخردی نسب و ژولانژاد (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر اقلام تعهدی بر شاخص SA پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین اقلام تعهدی اختیاری و شاخص SA در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که عمر کمی دارند، عمر طولانی دارند، اندازه آن ها کوچک است و اندازه آن ها بزرگ است، رابطه معناداری وجود دارد. ولی بین اقلام تعهدی غیر اختیاری و شاخص SA ارتباط معناداری یافت نشد.

خلیفه سلطانی و نائب محسنی (۱۳۹۳) به بررسی نظام راهبری و تقلب پرداخته اند. مشاهده های تجربی این تحقیق نشان داده است که بدون استقرار سیستم نظام راهبری خوب، اثر کلی طرح های مبارزه با تقلب کاهش می یابد و رشد اینگونه شرکت ها تحلیل می رود. پیامدها و هزینه های مستقیمی از قبیل صدمه به شهرت شرکت، کاهش قابلیت سودآوری آتی، و همچنین زیان های ناشی از عدم اطمینان بازارها که تقلب و فساد مالی به جامعه و شرکت ها تحمیل می کند، گویای ضرورت مبارزه با این مساله است. به علاوه باید متذکر شد که این مبارزه نه تنها باید در سطح نظارتی دولت ها و نهادهای بین المللی صورت بگیرد، بلکه خود شرکت ها باید اقدام های لازم را برای مبارزه اثربخش با فساد داخلی انجام دهند. نظام راهبری مناسب مانع از ارتکاب تقلب می شود یا دست کم پیامدهای منفی آن را محدود می کند.

صفرزاده (۱۳۸۹) به بررسی توانایی نسبت های مالی در کشف تقلب در گزارشگری مالی پرداخته است. این مقاله با استفاده از تحلیل لاجیت در داده های مقطعی به بررسی نقش داده های حسابداری در ایجاد یک الگو برای کشف عوامل مرتبط با تقلب در گزارشگری مالی می پردازد. شرکت های متقلب بر مبنای (۱) شمول شرکت در فهرست سازمان بورس و اوراق بهادار به دلیل هایی مرتبط با تحریف داده های مالی و (۲) انجام دادن معامله های نهانی و آرای صادر نشده توسط دادگاه در خصوص تحریف در گزارشگری مالی انتخاب شدند. پس از تحلیل، ده نسبت مالی به عنوان پیش بینی کننده های بالقوه گزارشگری مالی متقلبان معرفتی شد. نتیجه پژوهش حکایت از ۸۲/۹ درصد صحت طبقه بندی داشت.

فرقاندوست حقیقی و برواری (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان بررسی کاربرد روش های تحلیلی در ارزیابی ریسک تقلب صورت های مالی (تقلب مدیریت) ملاک طبقه بندی ارتکاب به تقلب یا نبود تقلب را وجود اظهارنظر مردود یا نبود اظهارنظر دانسته و با استفاده از تعداد ۱۲ نمونه نهایی و در نظر گرفتن ۷ نسبت مالی به عنوان متغیرهای مستقل؛ دو متغیر نسبت بدهی ها به دارایی ها و نسبت رشد فروش معنادار تشخیص داده شده و درصد صحت پیش بینی مدل ۹۰ درصد ذکر شده است.

سنجایی (۱۳۸۴) به شناسایی عامل های تأثیرگذار بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری صورت های مالی در ایران پرداخته است. وی عامل های خطر را در چهار گروه طبقه بندی و در چهار فرضیه شامل بودن عامل های متعددی را در هر یک از گروه های چهارگانه مورد تایید قرار داد. در این تحقیق پرسشنامه هایی در اختیار حسابرس ها قرار داده شده و از آن ها پیرامون این عامل ها سوال شده است. نتیجه های این پرسشنامه ها با استفاده از روش های مربوطه آماری مورد تحلیل قرار گرفته و عامل های مورد اجماع جامعه حسابرس ها مورد شناسایی واقع شده اند.

الگوی ریاضی و فرضیه های پژوهش

منطبق بر چارچوب نظری بیان شده، فرضیه های پژوهش به شرح زیر می باشد.

فرضیه اول: مدیران توانمند قدرت کاهش تقلب در گزارشگری مالی را دارند.

فرضیه دوم: وجود ارتباطات سیاسی منجر به گزارشگری مالی متقلبانه می‌شود.

فرضیه سوم: ارتباطات سیاسی تأثیر توانایی مدیریتی در احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را تضعیف می‌نماید.

مدل آزمون فرضیه‌های پژوهش به پیروی از پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۷) به شرح رابطه (۱) است. جهت تصمیم‌گیری در خصوص رد یا پذیرش فرضیه‌ها، چنانچه بر اساس آماره F سطح معناداری این آماره از سطح خطای ۱٪ کمتر باشد، مدل پژوهش معنادار و می‌توان در خصوص رد یا پذیرش فرضیه‌ها اظهار نظر نمود. در خصوص فرضیه اول انتظار می‌رود که با افزایش توانایی مدیران، تقلب کاهش یابد، پس ضریب β_1 باید معنادار و منفی باشد. در خصوص فرضیه دوم انتظار می‌رود که با وجود ارتباطات سیاسی، گزارشگری مالی متقلبانه را افزایش می‌دهد، پس ضریب β_2 باید معنادار و مثبت باشد. در خصوص فرضیه سوم انتظار می‌رود که ارتباطات سیاسی تأثیر توانایی مدیریتی در احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را تضعیف نماید، پس ضریب β_3 باید معنادار و کوچک‌تر از ضریب β_1 باشد.

رابطه (۱)

$$FRAUD_{it} = \alpha_0 + \beta_1 MAABILITY + \beta_2 POLITICAL_{it} + \beta_3 MAABILITY_{it} \times POLITICAL_{it} \\ + \beta_4 Tipy_{it} + \beta_5 EM_{it} + \beta_6 PRICESTD_{it} + \beta_7 INSIDER_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_9 Lev_{it} \\ + \beta_{10} ROE_{it} + \beta_{11} MB_{it} + LARSHARE + INSTITU + CEOSHARE + DUAL \\ + \beta_{12} BOARDSIZE_{it} + \beta_{13} AGE_{it} + \beta_{13} TOPMANCOMP_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در مدل‌های فوق:

$FRAUD$: گزارشگری مالی متقلبانه

$MAABILITY$: توانایی مدیریت

$POLITICAL$: ارتباطات سیاسی

$Tipy$: نوع حسابرس

EM : مدیریت سود

$PRICESTD$: نوسانات قیمت سهام

$INSIDER$: حجم معاملات

$SIZE$: اندازه شرکت

Lev : اهرم مالی

ROE : بازده حقوق صاحبان سهام

MB : نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام

$LARSHARE$: درصد بزرگترین سهامدار

$INSTITU$: درصد سهامداران نهادی

$CEOSHARE$: مالکیت مدیریتی

$DUAL$: دوگانگی وظایف مدیرعامل

$BOARDSIZE$: اندازه هیئت مدیره

AGE : عمر شرکت

$TOPMANCOMP$: پاداش هیئت مدیره

ε : خطای مدل

همچنین نحوه سنجش هر کدام از متغیرهای این پژوهش، به شرح متغیر وابسته، مستقل و کنترلی در ادامه بیان شده است.

متغیر وابسته

گزارشگری مالی متقلبانه (FRAUD): متغیر وابسته مطالعه حاضر گزارشگری مالی متقلبانه است. گزارشگری مالی متقلبانه با استفاده از رابطه پورحیدری و کوپایی حاجی (۱۳۸۹) به شرح رابطه (۲) سنجیده شده است.
رابطه (۲)

$$P = 3/20784K_1 + 1/80384K_2 + 1/61363K_3 + 0/50094K_4 + 0/16903K_5 - 0/39709K_6 - 0/12505K_7 + 0/33849K_8 + 1/42363K_9$$

که در این رابطه:

P : احتمال وجود تقلب.

K_1 : نسبت سود قبل از بهره و مالیات به دارایی‌ها ($EBIT/TA$).

K_2 : نسبت سود انباشته به دارایی‌ها (AE/TA).

K_3 : نسبت سرمایه در گردش به دارایی‌ها (WC/TA).

K_4 : نسبت حقوق صاحبان سهام به بدهی‌ها (E/TL).

K_5 : نسبت سود قبل از بهره و مالیات به فروش ($EBIT/S$).

K_6 : نسبت دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری (CA/CL).

K_7 : نسبت سود خالص به فروش (NE/S).

K_8 : نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها (TL/TA).

K_9 : اندازه شرکت (FS).

نقطه احتیاط ($Cutoff$) برابر است با ۱۵/۸۹۰۷ که در این نقطه نتایج به شرح زیر تفسیر می‌شود.

- اگر $P < 15/8907$ باشد، در این صورت شرکت دارای بحران مالی و احتمال وجود تقلب در این شرکت‌ها بالا است.
- اگر $P \geq 15/8907$ باشد، در این صورت شرکت فاقد بحران مالی و احتمال وجود تقلب در این شرکت‌ها پایین است.

به شرکت‌هایی که احتمال وجود تقلب در آن بالا است عدد یک و به دیگر شرکت‌ها عدد صفر اختصاص داده شد.

متغیرهای مستقل

توانایی مدیریت (MAABILITY): اولین متغیر مستقل این پژوهش توانایی مدیریت می‌باشد که به پیروی از پژوهش آبرنافی و همکاران (۲۰۱۸) سنجیده می‌شود. آبرنافی و همکاران (۲۰۱۸) این متغیر را با استفاده از مدل دمرجیان (۲۰۱۴، ۲۰۱۳، ۲۰۱۲) به شرح رابطه (۳) سنجیده است. به بیان دیگر مطابق با پژوهش دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)، با استفاده از تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها، کارایی شرکت با مقایسه فروش آن با شرط ورودی‌های استفاده شده توسط هر یک از شرکت‌ها (شامل بهای تمام شده کالای فروش رفته، هزینه فروش و اداری، خالص املاک، ماشین آلات و تجهیزات، خالص مخارج تحقیق و توسعه، سرقتی خریداری شده و دیگر دارایی‌های نامشهود خریداری شده) پیش‌بینی می‌شود. حسنی القار و

شعری آناقیز (۱۳۹۶) و حسنی القار و مرفوع (۱۳۹۶) در پژوهش‌های خود توانایی مدیریت را با استفاده از تحلیل پوششی داده سنجیده‌اند.

رابطه (۳)

Firm Efficiency

$$= \alpha_0 + \alpha_1 \ln(\text{Total Assets}) + \alpha_2 \text{Market Share} + \alpha_3 \text{Positive Free Cash Flow} + \alpha_4 \ln(\text{Age}) + \alpha_5 \text{Year Indicators} + \varepsilon$$

Firm Efficiency: نمره‌ی کارایی هر یک از مدیران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که به وسیله تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها به شرح رابطه (۴) محاسبه می‌شود.

رابطه (۴)

$$\text{Max}_v \theta = \frac{\text{Sales}}{v_1 \text{CoGS} + v_2 \text{SG\&A} + v_3 \text{PPE} + v_4 \text{R\&D} + v_5 \text{Goodwil} + v_6 \text{OtherIntan}}$$

که در این رابطه:

Sales: فروش شرکت

$v_1 \text{CoGS}$: بهای تمام شده کالای فروش رفته

$v_2 \text{SG\&A}$: هزینه‌های فروش و اداری

$v_3 \text{PPE}$: خالص املاک و ماشین آلات و تجهیزات

$v_4 \text{R\&D}$: خالص مخارج تحقیق و توسعه

$v_5 \text{Goodwil}$: سرقتلی

$v_6 \text{Other Intan}$: دیگر دارایی‌ها

برای کارایی اندازه‌گیری شده، با توجه به رابطه (۴) برای هر شرکت عددی بین صفر تا یک در نظر گرفته خواهد شد که هر چه این عدد بیش‌تر باشد، نشان دهنده توانایی شرکت در استفاده از منابع ارزان و فروش کالا و خدمات خود به نحو صحیح است. از این رو شرکت‌هایی که نمره‌ی کارایی کمتر از یک دارند، باید اقدام به کاهش هزینه‌ها و یا افزایش درآمدهای حاصل از فروش خود جهت دسترسی به کارایی لازم نمایند.

Total Assets: جمع دارایی‌ها

Market Share: سهم بازار

Positive Free Cash Flow: جریان وجه نقد آزاد

Age: عمر واحد تجاری

Year Indicators: شاخص‌های سال

باقی مانده رابطه (۳) نشان دهنده توانایی مدیریت در شرکت است. زیرا کارایی محاسبه شده مطابق با رابطه (۴) منحصر به مدیران نبوده و کل شرکت را در بر می‌گیرد. برای مثال هرچند که مدیران توانا صرف‌نظر از اندازه شرکت قادر به پیش‌بینی روندها در شرکت هستند، اما معمولاً مدیرانی که در شرکت‌های بزرگ فعالیت می‌کنند راحت‌تر با تأمین کنندگان منابع خود مذاکره و گفت‌وگو می‌کنند. از این رو، برای خنثی کردن اثرات شرکت، با استفاده از رابطه (۴) و کارایی کل محاسبه شده برای شرکت در رابطه (۳)، مقدار باقی‌مانده به عنوان توانایی (کارایی) مدیران در نظر گرفته می‌شود.

ارتباطات سیاسی (POLITICAL): دومین متغیر مستقل این پژوهش ارتباطات سیاسی می‌باشد. ارتباطات سیاسی به پیروی از پژوهش های حبیب و همکاران (۲۰۱۷)، وانگ و همکاران (۲۰۱۷)، مهربان پور و همکاران (۱۳۹۶) و نیکومرام و همکاران (۱۳۹۲) بوسیله یک عامل مجازی اندازه‌گیری می‌شود. در پژوهش نیکومرام و همکاران (۱۳۹۲) نشانه‌های مدیریت سیاسی شرکت عبارتند از وجود اعضای هیأت مدیره وابسته به دولت، مجلس و مانند این نوع نهادهای سیاسی و یا وجود سهامدار عمده (دارای حداقل ده درصد سهام دارای حق رای) دولتی و شبه دولتی بیان شده است. مطابق با پژوهش‌های بوشمن و همکاران (۲۰۰۴)، خواجوی و حسینی (۱۳۸۹)، محمودآبادی و نجفی (۱۳۹۲) و نیلساری و نوگراه (۲۰۱۱) درصد مالکیت مستقیم یا نهادی دولت به عنوان نماینده متغیر ارتباطات سیاسی از طریق دولت در نظر گرفته شده است. جهت تعیین حداقل درصد مالکیت ممکن، که بتواند بر تصمیم‌گیری‌های مرتبط با سیاست‌های مالی و عملیاتی یک واحد تجاری، اثرگذار باشد، تعریف استاندارد حسابداری شماره ۲۱، از "نفوذ قابل ملاحظه" مد نظر قرار گرفته شده است. بر اساس استاندارد مذکور، اگر واحد سرمایه‌گذار به طور مستقیم یا غیرمستقیم (برای مثال، از طریق واحد تجاری فرعی) حداقل ۲۱ درصد از حق رای واحد سرمایه‌پذیر را در اختیار داشته باشد، فرض می‌شود که از نفوذ قابل ملاحظه‌ای برخوردار است، مگر این که نبود چنین نفوذی را بتوان به روشنی اثبات کرد (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۱). بنابراین تعریف عملیاتی متغیر ارتباطات سیاسی دولت با استفاده از "درصد مالکیت مستقیم یا غیر مستقیم دولت و نهادهای دولتی، در صورتی که در شرکت بیش از ۲۱٪ باشد، مقدار این متغیر برابر یک و در غیر این صورت، صفر در نظر گرفته می‌شود"، بطوری که اگر حداقل یکی از سهامداران عمده شرکت (با مالکیت ۱۰ درصد یا بیش‌تر) از شخصیت‌های وابسته به دولت باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اعمال می‌شود.

متغیر تعدیل‌گر

همکنشی ارتباطات سیاسی و توانایی مدیریت (MAABILITY×POLITICAL): در پژوهش حاضر از همکنشی ارتباطات سیاسی و توانایی مدیریت به عنوان متغیر تعدیل‌گر در مدل رگرسیونی استفاده شده است.

متغیرهای کنترلی

نوع حسابرس (Type): چنانچه حسابرس شرکت، سازمان حسابرسی باشد عدد یک و اگر موسسه حسابرسی باشد عدد صفر تعلق می‌گیرد.

مدیریت سود (DA): مدیریت سود با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری برآورد می‌شود. اقلام تعهدی اختیاری با استفاده از مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) به شرح رابطه (۵) سنجیده شد.

رابطه (۵)

$$\frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

که در این رابطه:

TA : کل اقلام تعهدی شرکت i در سال t

ΔREV : تغییرات در درآمد فروش شرکت i بین سال t و $t-1$

PPE: ارزش اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت
A: کل ارزش دفتری دارایی‌های شرکت

نوسانات قیمت سهام (*PRICESTD*): نوسانات قیمت سهام با استفاده از انحراف معیار سه سال گذشته قیمت سهام به دست می‌آید.

حجم معاملات (*INSIDER*): حجم معاملات نشان دهنده میزان توجه و علاقه سرمایه‌گذاران به سهام شرکت است. حجم مبادلات در واقع مسئله پایداری و صحت قیمت را مورد بررسی قرار می‌دهد و پژوهش‌هایی که حجم مبادلات را در کنار قیمت در نظر نمی‌گیرند، در واقع مسأله صحت قیمت را مورد توجه قرار نمی‌دهند. حجم معاملات توسط لگاریتم حجم ریالی معاملات سالانه شرکت اندازه‌گیری می‌شود. حجم معاملات به میزان معاملات انجام شده در یک دوره زمانی معین، معمولاً یک روزه گفته می‌شود. هرچه حجم بالاتر باشد سهام فعال‌تر خواهد بود. در این پژوهش از لگاریتم حجم معاملات سالانه بورس اوراق بهادار تهران برحسب میلیون ریال جهت سنجش حجم معاملات استفاده شده است.

اندازه شرکت (*SIZE*): اندازه شرکت با استفاده از لگاریتم طبیعی دارایی‌های شرکت سنجیده می‌شود.

اهرم مالی (*Lev*): اهرم مالی با استفاده از تقسیم جمع بدهی‌ها به جمع دارایی‌ها به دست می‌آید.

بازده حقوق صاحبان سهام (*ROE*): بازده حقوق صاحبان سهام از تقسیم سود خالص به حقوق صاحبان سهام به دست می‌آید.

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (*MB*): نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام از تقسیم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری آن به دست می‌آید.

درصد بزرگترین سهامدار (*LARSHARE*): درصد بزرگترین سهامدار با استفاده از نسبت درصد بزرگترین سهامدار به کل سهام شرکت به دست می‌آید.

درصد سهامداران نهادی (*INSTITU*): درصد سهامداران نهادی با استفاده از نسبت درصد سهامداران نهادی به کل سهام شرکت به دست می‌آید.

مالکیت مدیریتی (*CEOSHARE*): مالکیت مدیریتی از درصد سهام مدیریت به کل سهام شرکت به دست می‌آید.

دوگانگی وظایف مدیرعامل (*DUAL*): از سال ۱۳۹۰ به بعد اغلب شرکت‌ها، آیین‌نامه راهبری شرکت را رعایت کرده‌اند؛ ولی سال‌های ۱۳۸۷، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ بیشتر شرکت‌ها مدیرعامل عضو هیئت بوده است. در صورتی که مدیرعامل عضو هیئت مدیره باشد عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر حاصل می‌شود.

اندازه هیئت مدیره (*BOARDSIZE*): که از تعداد اعضای هیئت مدیره به دست می‌آید.

عمر شرکت (*AGE*): عمر شرکت برابر است با تعداد سال‌های فعالیت شرکت از زمان تاسیس.

پاداش هیئت مدیره (*TOPMANCOMP*): پاداش هیئت مدیره از لگاریتم طبیعی پاداش هیئت مدیره به دست می‌آید.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، از ابتدای سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۷ شامل می‌شود. جهت نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری قضاوتی (حذف سیستماتیک)، به شرح زیر استفاده شده است.

۱. برای رعایت قابلیت مقایسه پذیری، دوره مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند باشد.
 ۲. در طی دوره مورد بررسی توقف فعالیت یا تغییر سال مالی نداشته باشند.
 ۳. اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها، در طی دوره مورد بررسی موجود باشد.
- بر اساس معیارهای فوق، ۷۰ شرکت شناسایی گردید. سپس کلیه اطلاعات مورد نیاز جهت انجام این پژوهش از بانک‌های اطلاعاتی بورس اوراق بهادار تهران، نرم افزارهای ره‌آورد نوین جمع‌آوری و با استفاده از نرم افزار اقتصادسنجی ایویوز نسخه ۱۰ مدل‌ها برازش و نتایج در ادامه ارائه شده است.

تعیین درجه سیاست دولتی بر اساس شاخص SA

یکی از پارامترهایی که توجه محافل دانشگاهی را به خود معطوف کرده است، اندازه شرکت و سن شرکت بوده که معمولاً به صورت ارزش بازار شرکت، لگاریتم فروش یا دارایی‌های شرکت و سن شرکت تعریف می‌شود. از این معیار جهت شناسایی درجه ارتباطات سیاسی در مطالعه حاضر استفاده شده است. پس از تعیین حجم نمونه، شرکت‌ها بر اساس شاخص SA به شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی قوی و ضعیف تقسیم شده است. شاخص SA به پیروی از پژوهش بخردی‌نسب و ژولانژاد (۱۳۹۴) به شرح رابطه (۶) برآورد شده است.

رابطه (۶)

$$SA = -0.737 * Size + 0.043 * Size^2 - 0.040 * Age$$

که در این رابطه :

SIZE : اندازه شرکت

AGE : عمر شرکت

نحوه سنجش این دو متغیر در بخش متغیرهای کنترلی بیان شده است.

شرکت‌هایی که اندازه و سبک آن‌ها از مقادیر میانه‌ی آن‌ها از اندازه‌ی تمام شرکت‌های موجود در نمونه، پایین‌تر باشد، در گروه شرکت‌هایی با اندازه کوچک و در غیر این صورت اندازه بزرگ دارند و شرکت‌هایی که سن و عمر آن‌ها از مقادیر میانه‌ی آن‌ها از عمر تمام شرکت‌های موجود در نمونه، پایین‌تر باشد، در گروه شرکت‌هایی با عمر کم و در غیر این صورت عمر زیادی دارند که در صورت قرار گرفتن یک شرکت در هر دو گروه اندازه بزرگ و عمر زیاد باشد، در طیف شرکت‌هایی با ارتباطات سیاسی قوی دسته بندی شده است.

جدول (۱) : تعیین درجه سیاست دولتی بر اساس شاخص SA

عمر شرکت		اندازه شرکت	
عمر زیاد	عمر کم	اندازه بزرگ	اندازه کوچک
۶۷	۳	۵۳	۱۷

اندازه حاکی از قدرتمندی شرکت از لحاظ وضع مالی و قدرت باز پرداخت بدهی می‌باشد. سن شرکت به منزله تجربه و توانایی شرکت در مهار نقدینگی شرکت و کنترل نقدینگی شرکت می‌باشد. در نهایت از بین ۷۰ شرکت عضو نمونه، ۵۳ شرکت به عنوان شرکت‌هایی انتخاب شدند که دارای ارتباطات سیاسی قوی با صاحب منصبان دولتی می‌باشند و دیگر شرکت‌ها دارای ارتباطات سیاسی ضعیفی هستند.

یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش به دو بخش آمار توصیفی و استنباطی بیان شده است.

آمار توصیفی

جدول شماره (۲) آمار توصیفی متغیرهای مورد بررسی را برای ۷۰ شرکت در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۷ برای دوره ۱۱ ساله نشان می‌دهد.

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای کمی

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
توانایی مدیریت	-۵,۳۴۱۲	-۰,۹۸۹۸۶۸	۶۵,۰۰۸۶۴	-۱۵,۲۳۷۴۰	۶,۵۱۶۰۵۹
اقدام تعهدی اختیاری	۰,۱۹۴۷۹۸	۰,۱۶۰۴۲۰	۱,۷۱۴۵۹۴	۰,۰۰۰۵۰۵	۰,۱۸۱۵۲۰
نوسانات قیمت سهام	۲۰۳۴,۰۰۷	۷۶۷,۵۰۰	۳۴۲۶۰,۵۰	۱,۵	۳۶۶۲,۰۹۸
حجم معاملات	۷,۱۵۹۲۲۲	۷,۲۳۶۸۱۷	۹,۹۶۹۲۰۱	۳,۱۵۵۳۳۶	۱,۱۵۷۳۶۷
اندازه شرکت	۱۳,۴۲۸۲۰	۱۳,۳۱۵۵۰	۱۸,۳۵۷۶۲	۱۰,۰۳۱۲۲	۱,۳۸۴۹۰۶
اهرم مالی	۰,۵۷۹۱۷۳	۰,۵۹۲۲۳۹	۰,۹۹	۰,۰۲۱	۰,۱۹۶۷۶۷
بازده حقوق صاحبان سهام	۰,۲۵۶۳۶۳	۰,۲۳۱۰۶۹	۶,۶۴۷۲۹۱	-۷,۶۶۰۰۴۹	۰,۶۳۹۰۷۲
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	۲,۳۷۰۸۰۱	۲,۰۲۰۵۵۰	۳۲,۱۷۰۲۵	-۳۵,۵۸۵۴۶	۳,۴۶۲۵۸۲
درصد بزرگترین سهامدار	۴۹,۵۱۶۴۰	۶۴,۶۷	۹۹,۴۵	۰	۳۹,۷۸۴۳۱
درصد سهامداران نهادی	۳۲,۵۵۳۵۶	۱۵,۹۵	۹۸,۷۱	۰	۳۶,۲۴۷۹۷
مالکیت مدیریتی	۰,۸۲۲۸۵۷	۰	۸۶	۰	۷,۱۴۲۵۳۴
اندازه هیئت مدیره	۴,۹۵۷۱۴۳	۵	۷	۴	۰,۳۱۳۵۳۴
عمر شرکت	۱۷,۷۰۱۴۳	۱۶	۵۱	۵	۸,۸۲۸۸۹۳
پاداش هیئت مدیره	۰,۱۲۵۸۶۰	۰	۷,۲۷۲۳۹۸	۰	۰,۸۸۴۹۰۱

از بین شاخص‌های مرکزی بیان شده میانگین مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است. میانگین شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. برای مثال میانگین متغیرهای گزارشگری مالی متقالبانه و توانایی مدیریت که به ترتیب برابر با ۰,۹۸۵۷۱۴ و -۵,۳۴۱۲ می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به این متغیر در حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. میانه یکی دیگر از شاخص‌های آمار توصیفی می‌باشد. میانه ارتباطات سیاسی و نوع حسابرس به ترتیب برابر با ۱ و ۰ که نشان می‌دهد نیمی از داده‌ها بیشتر از این مقدار و نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار می‌باشد. بیشینه و کمینه یکی دیگر از شاخص‌های آمار توصیفی می‌باشد. شاخص‌های پراکندگی به طور کلی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از جمله مهم‌ترین شاخص‌های پراکندگی که شرط مطلوب برای وارد کردن متغیر به مدل رگرسیونی می‌باشد، انحراف معیار است. همان‌طور که در جدول (۱) نیز قابل مشاهده است، انحراف معیار متغیرها صفر نبوده و حائز این شرط می‌باشند. در جامعه آماری مورد بررسی بیشترین

مقدار مربوط به متغیر نوسانات قیمت سهام و کمترین مقدار این پارامتر مربوط به نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام می‌باشد. در ادامه آمار توصیفی متغیر مجازی ارائه شده است.

جدول (۳): آمار توصیفی متغیرهای کیفی

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار
گزارشگری مالی متقلبانه	۰,۹۸۵۷۱۴	۰,۱۱۸۷۵۱
ارتباطات سیاسی	۰,۵۳۸۵۷۱	۰,۴۹۸۸۶۶
نوع حسابرس	۰,۲۵۱۴۲۹	۰,۴۳۴۱۴۵
دوگانگی وظایف مدیرعامل	۰,۴۹۱۴۲۹	۰,۵۰۰۲۸۴

شواهد نشان می‌دهد که ۹۸٪ از شرکت‌های عضو نمونه دارای گزارش‌های متقلب، ۵۳٪ دارای ارتباطات سیاسی، ۲۵٪ از شرکت‌های عضو نمونه حسابرسان آن‌ها، حسابرسان سازمان حسابرسی و ۴۹٪ از شرکت‌های عضو نمونه دارای دوگانگی در وظیفه مدیرعامل بوده‌اند.

آمار استنباطی

با توجه به دوگانه بودن ارزش متغیر وابسته، الگوی برازش مدل‌های رگرسیونی، باینری می‌باشد. یکی از فروض مدل کلاسیک رگرسیون خطی این است که جملات اخلاص دارای واریانس همسان می‌باشند و مهم است که آزمون ناهمسانی واریانس بررسی شود. لازم به ذکر برای بررسی وجود یا عدم وجود ناهمسانی واریانس در مدل‌های لاجیت و پروبیت نمی‌توان از روش‌های معمول همچون آزمون بروچ (بروش) پاگان، وایت و یا گلدفلدکوانت بهره برد. دیویدسن و مک‌کینون (۱۹۸۴)، آماره‌ای تحت عنوان نسبت راستنمایی برای تست ناهمسانی واریانس در مدل‌های لاجیت و پروبیت ارائه کردند. این آماره متکی به روش نسبت راستنمایی است و در آن یک رگرسیون تصنعی با استفاده از نتایج برآوردهای مدل لاجیت یا پروبیت شکل گرفته و این رگرسیون تصنعی برای آزمون ناهمسانی واریانس مورد استفاده قرار می‌گیرد. متغیر وابسته در مدل لاجیت دوتایی، گزارشگری متقلبانه می‌باشد. این متغیر در مدل رگرسیونی متغیر پاسخ می‌باشد که تعیین‌کننده توانایی مدیریت، ارتباطات سیاسی و کاهش یا افزایش گزارشگری متقلبانه بوده و ذاتاً از خصوصیت گسسته برخوردار است. این متغیر می‌تواند دو حالت صفر و یک را به خود اختصاص دهد. نتایج حاصل از برآورد مدل لاجیت برای احتمال گزارشگری متقلبانه در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول (۴): نتایج مربوط به تخمین مدل لجستیک

احتمال	آماره Z	انحراف استاندارد	ضریب	نام متغیر
۰,۰۰۳۲	۱,۹۲۱۶۳۹	۰,۲۱۷۱۹۰	۰,۴۱۷۳۶۰	توانایی مدیریت
۰,۰۰۶۶	-۱,۹۰۹۰۸۰	۱,۱۷۱۸۸۱	-۲,۲۳۷۲۱۴	ارتباطات سیاسی
۰,۰۰۸۳	۱,۸۹۴۶۴۹	۰,۲۰۶۵۷۴	۰,۳۹۱۳۸۵	اثر تعاملی توانایی مدیریت و ارتباطات سیاسی
۰,۴۸۱۳	-۰,۷۰۴۲۲۴	۱,۰۰۹۵۷۰	-۰,۷۱۰۹۶۳	نوع حسابرس
۰,۰۲۷۴	-۲,۲۰۵۸۳۰	۰,۹۷۴۰۲۵	-۲,۱۴۸۵۳۴	اقلام تعهدی اختیاری
۰,۴۲۳۲	۰,۸۰۰۸۹۹	۰,۰۰۰۲۲۸	۰,۰۰۰۱۸۳	نوسانات قیمت سهام
۰,۷۳۷۳	-۰,۳۳۵۴۸۷	۰,۴۶۶۶۵۴	-۰,۱۵۶۵۵۶	حجم معاملات
۰,۰۹۴۲	-۱,۶۷۳۷۹۷	۰,۳۷۱۵۷۹	-۰,۶۲۱۹۴۸	اندازه شرکت
۰,۸۲۱۵	-۰,۲۲۵۵۷۵	۱,۹۳۶۳۷۱	-۰,۴۳۶۷۹۷	اهرم مالی
۰,۰۱۵۹	-۲,۴۱۰۵۵۰	۰,۳۶۸۸۱۵	-۰,۸۸۹۰۴۸	بازده حقوق صاحبان سهام
۰,۰۰۰۴	-۳,۵۱۱۹۹۶	۰,۰۷۶۸۱۳	-۰,۲۶۹۷۶۸	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام
۰,۹۷۳۳	۰,۰۳۳۴۵۲	۰,۰۱۱۷۰۶	۰,۰۰۰۳۹۲	درصد بزرگترین سهامدار
۰,۰۱۱۷	۳,۱۳۷۱۹۷	۰,۲۵۴۸۷۷	۰,۷۹۹۵۹۸	درصد سهامداران نهادی
۰,۲۸۴۳	۱,۰۷۰۷۳۶	۰,۰۲۱۰۸۸	۰,۰۲۲۵۷۹	مالکیت مدیریتی
۰,۲۶۸۸	۱,۱۰۵۹۰۲	۰,۹۸۳۷۶۰	۱,۰۸۷۹۴۲	دوگانگی وظایف مدیرعامل
۰,۸۷۳۸	-۰,۱۵۸۷۹۷	۱,۳۹۴۰۵۱	-۰,۲۲۱۳۷۱	اندازه هیئت مدیره
۰,۴۹۷۷	۰,۶۷۸۰۷۶	۰,۰۵۱۲۱۷	۰,۰۳۴۷۲۹	عمر شرکت
۰,۰۲۰۰	-۷,۶۸۶۲۷۷	۰,۱۷۲۳۸۸	-۱,۳۲۵۰۲۴	پاداش هیئت مدیره
۰,۰۵۷۰	۱,۹۰۳۶۷۹	۸,۳۱۸۸۶۷	۱۵,۸۳۶۴۵	ضریب ثابت
۰/۰۰۰۰	۲۵/۳۲	-	-	آزمون نسبت راستنمایی (LR)
-	-	-	۰/۲۴	ضریب تعیین مک فادن

فرضیه اول پژوهش درصدد رسیدن به این هدف است که آیا مدیران توانمند قدرت کاهش تقلب در گزارشگری مالی را دارند یا خیر. بر اساس جدول (۴) نتایج نشان می‌دهد سطح معناداری برای متغیر توانایی مدیریت برابر با ۰/۰۰۳۲ است که کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ بوده و از این رو می‌توان نتیجه گرفت، بین توانایی مدیریت و ارائه کمتر گزارشگری متقلبانه رابطه معنی‌داری وجود دارد. در نتیجه فرض صفر رد نشده و فرضیه پژوهش پذیرفته می‌شود. همچنین ضریب توانایی مدیریت که برابر با ۰/۴۱۷۳۶۰ گویای این مطلب است که بین توانایی مدیریت و ارائه کمتر گزارشگری متقلبانه رابطه مستقیمی وجود دارد. به عبارتی توانایی مدیریت موجب ارائه کمتر گزارش‌های متقلبانه می‌گردد، پس فرضیه اول پژوهش تایید می‌گردد و مدیران توانمند قدرت کاهش تقلب در گزارشگری مالی را دارند.

فرضیه دوم پژوهش درصدد رسیدن به این هدف است که آیا وجود ارتباطات سیاسی منجر به گزارشگری مالی متقلبانه می‌شود یا خیر. بر اساس جدول (۴) نتایج نشان می‌دهد سطح معناداری برای متغیر ارتباطات سیاسی برابر با $0/066$ است که کمتر از سطح معناداری $0/05$ بوده و از این رو می‌توان نتیجه گرفت، بین ارتباطات سیاسی و گزارشگری متقلبانه رابطه معنی‌داری وجود دارد. در نتیجه فرض صفر رد نشده و فرضیه پژوهش پذیرفته می‌شود. همچنین ضریب ارتباطات سیاسی که برابر با $2/237214$ - گویای این مطلب است که بین ارتباطات سیاسی و گزارشگری متقلبانه رابطه منفی وجود دارد. به عبارتی وجود ارتباطات سیاسی موجب ارائه گزارش‌های متقلبانه می‌گردد، پس فرضیه دوم پژوهش تایید می‌گردد و وجود ارتباطات سیاسی منجر به گزارشگری مالی متقلبانه می‌شود.

فرضیه سوم پژوهش درصدد رسیدن به این هدف است که آیا ارتباطات سیاسی تأثیر توانایی مدیریتی در احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را تضعیف می‌نماید یا خیر. جهت تصمیم‌گیری در خصوص رد یا پذیرش این فرضیه، ضریب هم‌کنشی متغیرهای ارتباطات سیاسی و توانایی مدیریتی مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس جدول (۴) نتایج نشان می‌دهد سطح معناداری برای متغیر اثر تعاملی توانایی مدیریت و ارتباطات سیاسی برابر با $0/083$ است که کمتر از سطح معناداری $0/05$ بوده و از این رو می‌توان نتیجه گرفت، اثر تعاملی توانایی مدیریت و ارتباطات سیاسی و گزارشگری متقلبانه رابطه معنی‌داری وجود دارد. در نتیجه فرض صفر رد نشده و فرضیه پژوهش پذیرفته می‌شود. همچنین ضریب اثر تعاملی توانایی مدیریت و ارتباطات سیاسی که برابر با $0/391385$ گویای این مطلب است که بین اثر تعاملی توانایی مدیریت و ارتباطات سیاسی و گزارشگری متقلبانه رابطه مثبتی وجود دارد. این ضریب از میزان ضریب توانایی مدیریت که برابر با $0/417360$ است، کمتر می‌باشد. در نتیجه وجود ارتباطات سیاسی تأثیر توانایی مدیریتی در احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را تضعیف می‌نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، تشخیص تقلب مالی به موضوع شایان توجهی برای عموم مردم تبدیل شده است؛ چرا که میزان تقلب مالی به شکلی غیرعادی افزایش یافته است. در پژوهش حاضر نقش توان‌مندی مدیران در کشف کلاهبرداری گزارشگری مالی با در نظر گرفتن حضور و نفوذ صاحب منصبان دولتی در ارکان اداره شرکت‌ها با تعیین درجه سیاست دولتی بر اساس شاخص SA مورد بررسی قرار گرفت. مشابه مطالعه حاضر پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۷) است. ولی تمایز پژوهش حاضر در تعیین درجه سیاست دولتی بر اساس شاخص SA است. وانگ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان، توانایی مدیریتی، ارتباطات سیاسی و گزارشگری متقلبانه در چین، که در نشریه حسابداری و سیاست عمومی به چاپ رسیده است، تلاش می‌کنند رابطه بین متغیرهای فوق را در فرضیه‌ای علمی بررسی کنند. با استفاده از اطلاعات شرکت‌های سهامی در چین برای دوره ۲۰۰۷ الی ۲۰۱۲، این محققین دریافتند که اولاً افزایش توانایی مدیریتی منجر به کاهش گزارشگری مالی متقلبانه می‌گردد و ثانیاً، ارتباطات سیاسی بنگاه‌ها می‌تواند تأثیر توانایی مدیریتی بر احتمال صورت‌های مالی متقلبانه را محدود یا تضعیف نماید. نهایتاً بنگاه‌هایی با مدیران با ظرفیت در مقایسه با بنگاه‌هایی که چنین مدیران لایقی نداشته باشند، با جریمه‌های کمتری توسط نهادهای نظارتی مواجه می‌گردند.

با توجه به احتمال تقلب در صورت‌های مالی منتشر شده و اثرهای زیان‌بار آن در بازارهای مالی و کاهش سرمایه‌گذاری، همه سازمان‌های نظارتی مسئول در این زمینه را در جهت جلوگیری و کشف این‌گونه موارد سوق داده است. آزمون فرضیه اول پژوهش به بررسی گزارش‌های مالی متقلبانه در شرکت‌هایی با مدیران توانا پرداخته است. بر اساس نتایج به دست آمده و یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه اول، حاکی از آن است که شرکت‌هایی با مدیران توانا، گزارش‌های مالی متقلبانه کمتری را

نسبت به مدیران ناتوان، ارائه می‌نمایند. به بیان دیگر فرضیه اول را می‌توان چنین تفسیر کرد که وجود مدیران توانا منجر به تولید کمتر گزارش‌های متقلب خواهد شد. نتیجه فرضیه اول تایید و با پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی دارد. این بدان معناست که هر چه توانایی مدیران افزایش یابد از شدت بحران مالی درون سازمانی کاسته می‌شود و توانایی هدایت و کنترل بحران مالی برای مدیران افزایش می‌یابد. در نتیجه می‌توان بیان نمود که مدیران توانمند قدرت کاهش تقلب در گزارشگری مالی را دارند. مدیران شرکت‌های دولتی دارای افق تصمیم‌گیری کوتاه‌مدت می‌باشند. لذا تلاش می‌نمایند تا به هر طریق ممکن از جمله دست‌کاری و مدیریت سود، عملکرد دوره جاری و در نتیجه پاداش خود را افزایش دهند. علاوه بر این روابط و نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با مدیریت سود تحت تأثیر قرار می‌دهد و سبب ایجاد تفاوت‌های چشم‌گیر در سیاست‌های مالیاتی و کیفیت گزارشگری شرکت‌ها می‌شود. آزمون فرضیه دوم پژوهش به بررسی ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبان در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. بر اساس نتایج به دست آمده و یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه دوم، حاکی از آن است که ارتباطات سیاسی تأثیر معناداری بر گزارشگری مالی متقلبان دارد و در نتیجه مداخله دولت و حضور اشخاص سیاسی در هیات مدیره، تقلب را افزایش می‌دهد. نتیجه فرضیه دوم تایید شده و با پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی دارد و وجود ارتباطات سیاسی منجر به گزارشگری مالی متقلبان می‌شود. در بررسی فرضیه سوم به بررسی قوت و ضعف تأثیر ارتباطات سیاسی بر ارتباط بین توانایی مدیریتی و احتمال گزارشگری مالی متقلبان پرداخته شد. شواهد در آزمون فرضیه سوم نشان داد که ارتباطات سیاسی تأثیر توانایی مدیریتی در احتمال گزارشگری مالی متقلبان را تضعیف می‌نماید. نتیجه فرضیه سوم تایید و با پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی دارد. مبتنی بر نتایج آزمون فرضیه پژوهش، شواهد نشان داد شرکت‌هایی با مدیران توانا، گزارش‌های مالی متقلبان کمتری را نسبت به مدیران ناتوان، ارائه می‌نمایند. لذا به مدیران پیشنهاد می‌شود توانایی خود را بالا برده تا تقلب در شرکت کاهش یابد.

به دلیل محاسبات زیاد در دست‌یابی به رقم نهایی متغیر وابسته، از خطای موجود محاسباتی نیز به عنوان یکی از عوامل محدود کننده می‌توان نام برد. به نظر می‌رسد برای تکامل این پژوهش لازم است مطالعات زیر انجام گیرد.

- ✓ بررسی دلایل وجود تقلب در صورت‌های مالی و نقش دولت
- ✓ بررسی ارتباط بین تقلب و کیفیت حسابرسی با تجدید ارئه صورت‌های مالی
- ✓ از مدل‌های غیر خطی همانند الگوریتم ژنتیک و شبکه‌های عصبی برای بررسی ارتباط بین گزارشگری مالی متقلبان و سازوکارهای حاکمیت شرکتی با در نظر گرفتن نقش دولت استفاده شود.

منابع

- ✓ اعتمادی، حسین، زلفی، حسن، (۱۳۹۲)، کاربرد رگرسیون لجستیک در شناسایی گزارشگری مالی متقلبان، دانش حسابرسی، سال ۱۳، شماره ۵۱، صص ۱۴۵-۱۶۳.
- ✓ آذر، عادل، مؤمنی، منصور، (۱۳۸۳)، آمار و کاربرد آن در مدیریت، انتشارات سمت، جلد دوم، چاپ نهم، تهران، صص ۱۸۳-۲۱۲.
- ✓ آزاد، عبدالله، (۱۳۹۱)، گزارشگری مالی متقلبان و بازی اعداد مالی، روزنامه دنیای اقتصاد.
- ✓ خاکی، غلامرضا، (۱۳۸۹)، روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، ناشر: بازتاب
- ✓ خلیفه سلطانی، سید احمد، نایب محسنی، شیدا، (۱۳۹۳)، حاکمیت شرکتی و تقلب، ماهنامه بورس، شماره ۱۱۱.

- ✓ سنجابی، آرش، (۱۳۸۴)، شناسایی عوامل موثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری صورتهای مالی، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- ✓ شمس احمدی، منصور، (۱۳۸۸)، سطح اهمیت و ریسک حسابرسی، روزنامه دنیای اقتصاد، ۷ دی ۱۳۸۸.
- ✓ شمسایی، وحید، (۱۳۹۲)، مدیریت سود و تقلب در گزارشگری مالی: تشخیص نقاط تمایز توسط حسابرسان، مجله حسابرس، شماره ۴۶، صص ۱۰۶۶-۱۱۴.
- ✓ شیخ، محمدجواد، (۱۳۸۳)، بررسی اهمیت شاخص های تقلب بالقوه مالی با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی در شرکت های ایرانی، رساله دکتری حسابداری، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت.
- ✓ صفرزاده، محمدحسین، (۱۳۸۹)، توانایی نسبت های مالی در کشف تقلب در گزارشگری مالی، دانش حسابداری، شماره اول، صص ۱۳۷-۱۶۳.
- ✓ فرقاندوست حقیقی، برواری، فرید، (۱۳۸۸)، بررسی کاربرد روش های تحلیلی در ارزیابی ریسک تحریف صورتهای مالی (تقلب مدیریت)، فصلنامه دانش و پژوهش حسابداری، شماره شانزدهم، صص ۱۸-۷۰.
- ✓ کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی، (۱۳۸۸)، استانداردهای حسابرسی، سازمان حسابرسی، تهران.
- ✓ نیکومرام، هاشم، بنی مهد، بهمن، رهنمای رودپشتی، فریدون، کیانی، علی، (۱۳۹۲)، اقتصاد مبتنی بر روابط، روابط سیاسی و کیفیت اقلام تعهدی، دانش حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۵۰، صص ۴۱-۵۵.
- ✓ وحیدی الیزه ای، ابراهیم، حامدیان، حامد، (۱۳۸۸)، برداشت حسابرسان ایران از کارایی علایم خطر در کشف گزارشگری مالی متقلبانه، فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره سوم، صص ۱۶۴-۱۹۷.
- ✓ Abbot, J.L., Park, Y. and Parker, S. (2000), "The effects of audit committee activity and independence on corporate fraud", *Managerial Finance*, Vol. 26 No. 11, pp. 55-67.
- ✓ Albrecht, W. S., C. C. Albrecht and C. O. Albrecht. (2004). *Fraud and Corporate Executives: Agency, Stewardship and Broken Trust. Journal of Forensic Accounting*, Vol. 5, pp. 109-130.
- ✓ Beasley, S.M., Carcello, J.V. and Hermanson, D.R.(1999), *Fraudulent Financial Reporting: 1987-1997: An Analysis of US Public Companies, Research Report, COSO*.
- ✓ Bonner, S.E., Palmrose, Z.V. and Young, S.M. (1998) , "Fraud type and auditor litigation. An analysis of SEC accounting and auditing enforcement releases", *The Accounting Review*, Vol. 73 No. 4, pp. 503-32.
- ✓ Boubakri, N. Cosset, J. C. & Saffar, W. (2008). *Political connections of newly privatized firms. Journal of Corporate Finance*, 14 (5), 654-673.
- ✓ Chaney, P. K., M. Faccio, and D. C. Parsley. ۲۰۱۲. *The Quality of Accounting Information in Politically Connected Firms. Working paper, Vanderbilt University*
- ✓ Coderre, G.D. (1999), *Fraud Detection. Using Data Analysis Techniques to Detect Fraud, Global Audit Publications, Vancouver*.
- ✓ Dechow, P. A., R. G. Sloan A. P. Sweeney. (1996). *Causes and Consequences of Earnings Manipulation: an Analysis of Firms subject to Enforcement Actions by the SEC. Contemporary Accounting Research*, Vol.13(1), pp.1-36.
- ✓ Elliot, R. and Willingham, J. (1980). *Management Fraud: Detection and Deterrence. Petrocelli, New York. NY*.
- ✓ Fama, E. F., and M. C. Jensen. (1983). *Seperation of Ownership and Control. Journal of Law and Economics*, Vol. 26, pp.301-325.

- ✓ Fanning, M.K. and Cogger, K.O. (1998) ,`Neural detection of management fraud using published financial data'', *International Journal of Intelligent Systems in Accounting, Finance and Management*, Vol. 7 No. 1, pp. 21-41.
- ✓ Higson, A. (1999), ``Why is management reticent to report fraud? An exploratory study'', 22nd Annual Congress of European Accounting Association, Bordeaux.
- ✓ Hoffman, V.B. (1997), ``Discussion of the effects of SAS No. 82 on auditors attention to fraud riskfactors and audit planning decisions'', *Journal of Accounting Research*, Vol. 35 No. 5, pp. 99-104.
- ✓ Kaplan, S. and B. Minton. (1999). ``Appointment of outsiders to Japanese boards: Determinants and implications for managers''. *Journal of Financial Economics*, 36: 225-57.
- ✓ Kotsiantis, S., Koumanakos, E., Tzelepis, D., and Tampakas, V. (2006). *Forecasting Fraudulent Financial Statements Using Data Mining. Proceedings of World Academy of Science, Engineering and Technology*, Vol.12, pp.284-289.
- ✓ Krishnan, V. G., and C. Wang. (2015). *the Relation between Managerial Ability and Audit Fees and Going Concern Opinions. Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 34, No. 3, Pp. 139-160.
- ✓ Mancino, J. (1997), ``The auditor and fraud'', *Journal of Accountancy*, April, pp. 32-6.
- ✓ Nelly Sari, R. and R. Anugerah (2011). ``The Effect Of Corporate Transparency On Firm Performance: Emperical Evidence From Indonesian Listed Companies.'', *Modern Accounting and Auditing*, Vol. 7, No. 8, pp. 773-783
- ✓ Quan, L. (2008). *Fraudulent Financial Reporting: Theory and Evidence*, *Journal of Modern Accounting and Auditing*, Vol. 3(2), PP. 12-14.
- ✓ Rezaee Z. 2002. ``Financial statement fraud: prevention and detection''. New York, NY: Wiley.
- ✓ Rezaee, Z. & Riley, R. (2009). *Financial statement fraud: prevention and detection. 2nd ed.* Hoboken, NJ: John Wiley and Sons, Inc
- ✓ Spathis, C. (2002). *Detecting False Financial Statements Using Published Data: Some Evidence from Greece. Managerial Auditing Journal*, Vol. 17(4), pp. 179-191.
- ✓ Stice, J. (2007) , ``Using financial and market information to identify pre-engagement market factors associated with lawsuits against auditors'', *The Accounting Review*, Vol. 66 No. 3, pp. 516-33.
- ✓ Summers, S.L. and Sweeney, J.T. (1998) , ``Fraudulently misstated financial statements and insider trading: an empirical analysis'', *The Accounting Review*, Vol. 73 No. 1, pp. 131-46.
- ✓ Wan Ainul Asyiqin Wan Mohd Razali & Roshayani Arshad (2014). *Disclosure of corporate governance structure and the likelihood of fraudulent financial reporting. Procedia - Social and Behavioral Sciences* 145 (2014) 243 – 253
- ✓ Wang, X., Zhang, M. & Yu. (2017). *Managerial overconfidence and over-investment: Empirical evidence from China*, 3 (3), pp 453-469.
- ✓ Watts, R. L. and Zimmerman, J. L. (1986). *Positive Accounting Theory*. NJ: Prentice-Hall.
- ✓ Wells, J.T. (1997), *Occupational Fraud and Abuse*, Obsidian publishing, Austin, TX.
- ✓ Wright, A. and Ashton, R. (1989) , ``Identifying audit adjustments with attention-direction procedures'', *The Accounting Review*, Vol. 64 No. 4, pp. 79-83.
- ✓ Zimbelman, M.F. (1997), ``The effects of SAS No. 82 ,on auditors attention to fraud risk-factors and audit planning decisions'', *Journal of Accounting Research*, Vol. 35 No. 5, pp. 75-9.